


LYRICLIT	Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 11 (38), Spring 2021 <a href="https://lyriclit.iaun.ac.ir/">https://lyriclit.iaun.ac.ir/</a> ISSN: 2717-0896  20.1001.1.27170896.1400.11.38.11.3
----------	---

## **The Stylistic Comparison of Satire in Sanaei, Jamal-Din Abdul Razzaq and Anvari's Poetry**

**Heshmatollah Ansari**

Ph.D. candidate, Persian Language and Literature, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran.

**Maryam Jafari (Corresponding Author)**

Assistant Professor, Persian Language and Literature, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran.

**Gholamabbas Zakeri**

Assistant Professor, Persian Language and Literature, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran.

### **Abstract**

One of the types of lyrical literature that has a high frequency in most works of Persian poets is "satire". Examining the stylistic features of this literary genre can play an important role in entering the world of poets' minds and recognizing their thoughts, emotions and approaches. In this article, we have tried to examine the satires of Sanaie, Anvari and Jamal al-Din, who are all three famous poets of the 12<sup>th</sup> century and Saljuqi style, in three areas of language, literature and thought, based on social and cultural themes. In this research, selected methods of using prosodic weights, imaginary forms, poetic forms, ideology and words; Includes: the use of animal letters in satire, the use of minor construction, hidden and overt satires, the use of taboo words and also the use of Quranic verses in satire, hidden and overt satires, personal and social in the poems of these three poets. The results show that Jamal al-Din's language is more chaste in satire than Sanaie and Anvari; But Sanaie and Anvari's satires in compare of Jamal al-Din have a sharp, biting and insulting language. Using their poetic art and their surroundings on the situation of the society of their time, these three poets have portrayed many of the corruptions and social anomalies of the era.

**Key Words:** Lyrical literature, poetry, Satire, Sanaie, Anvari, Jamal-Din Abdul Razzaq.

**Citation:** Ansari, H.; Jafari, M.; Zakeri, Gh. (2021). The Stylistic Comparison of Satire in Sanaei, Jamal-Din Abdul Razzaq and Anvari's Poetry. Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 11 (38), 72-89. Dor: 20.1001.1.27170896.1400.11.38.11.3

### **Copyrights:**

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی  
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد  
سال یازدهم، شماره سی و هشت، بهار ۱۴۰۰، ص. ۷۲-۸۹

مقاله پژوهشی

## مقایسه سبکی هجویات سنایی، انوری و جمال‌الدین عبدالرزاق

حشمت اله انصاری<sup>۱</sup>

مریم جعفری<sup>۲</sup>

غلامعباس ذاکری<sup>۳</sup>

### چکیده

یکی از انواع فروع ادب غنایی که بسامد بسیاری در آثار بیشتر شاعران پارسی‌گو دارد، «هجویه‌سرایی» است. بررسی ویژگی‌های سبکی این گونه ادبی می‌تواند سهم مهمی در ورود به دنیای ذهن شعرا و شناختن اندیشه‌ها، عواطف و رویکردهای آن‌ها داشته باشد. در این مقاله سعی شده است هجویات سنایی، انوری و جمال‌الدین که هر سه از شاعران بنام و برجسته قرن ششم و سبک سلجوقی هستند، در سه حوزه زبانی، ادبی و فکری با تکیه بر مضامین اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد. در این تحقیق به شیوه کاربرد اوزان عروضی، صور خیال، قالب‌های شعری، ایدئولوژی و واژگان گزیده؛ شامل: استفاده از نام‌های جانوران در هجو، استفاده از ساخت مصغر، هجوهای پنهان و آشکار، به‌کارگیری واژه‌های تابو و نیز استفاده از آیات قرآنی در هجو، هجوهای پنهان و آشکار، شخصی و اجتماعی در شعر این سه شاعر پرداخته شده است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که زبان جمال‌الدین در هجو از سنایی و انوری عقیف‌تر است؛ اما هجویات سنایی و انوری نسبت به جمال‌الدین زبانی تند، گزنده و هتاک دارد. این سه شاعر با بهره‌گیری از هنر شاعری خود و احاطه‌ای که بر اوضاع جامعه عصر خود داشته‌اند، بسیاری از مفاسد و ناهنجاری‌های اجتماعی عصر را به تصویر کشیده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات غنایی، شعر، هجو، سنایی، انوری، جمال‌الدین عبدالرزاق.

۱. دانشجوی دکتری زبان ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران. m.jafari7800@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۸

## ۱. مقدمه

در تقسیم‌بندی انواع ادبی، ادب غنایی به دلیل اشتغال بر انواع موضوعات ادبی و همچنین ابراز احساسات و عواطف آدمی از جایگاه خاصی برخوردار است. هجو یکی از فروع ادب غنایی به شمار می‌رود و نقطه مقابل مدح و ستایش است و مانند هرگونه دیگر ادبی ویژگی‌هایی خاص دارد که شناخت آن‌ها به درک بهتر ساختار و ارزش ادبی آن کمک می‌کند. از میان موضوعات نوع غنایی، به‌ویژه در ادبیات فارسی، هجو بیش از دیگر اغراض شعر، مطمح نظر شاعران بوده است؛ زیرا در عرصه مسابقت و رقابت و جذب و دفع منفعت یا ضرر، هجو بیشتر از سایر فنون ادبی کاربرد داشته است، و به همین دلیل صفحات فراوانی از دیوان‌های شاعران فارسی را دربر گرفته است. هجو در ادبیات همه کشورها کم و بیش وجود دارد و طرح و نقد آن مشاهده می‌شود؛ اما در ادبیات برخی از ملت‌ها به دلیل سیطره نقد اخلاقی بر جامعه، آن گونه که بایست مورد توجه واقع نشده است، در حالی که بررسی علل و عوامل آن می‌تواند از دیدگاه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی حائز اهمیت باشد. بررسی ادبی این مسئله راه را برای چنین مطالعاتی هموار می‌کند و ساختار سبکی هجو نیز در همین جهت قابل بررسی است. اگر چه هجو را می‌توان با شیوه‌های مختلف زبانی (نظم و نثر)، نمایشی و تصویری (مانند کاریکاتور) بیان کرد؛ ولی در زبان فارسی بیشتر با شعر بیان شده است و از این رو هجو را یکی از گونه‌های شعر غنایی دانسته‌اند (داد، ۱۳۷۱: ۳۲۸).

مقایسه سبکی هجویات، در شعر این سه شاعر را از این جهت انتخاب کردیم، که هر سه شاعر در قرن ششم هجری می‌زیسته‌اند و از شاعران بنام و برجسته سبک سلجوقی به شمار می‌روند. در قرن ششم که دوره حکومت سلجوقیان است، یکی از شاخه‌های مهم سبک سلجوقی شاخه خراسانی است، که سنایی و انوری نماینده آن شاخه‌اند و دیگری شاخه اصفهانی که جمال‌الدین عبدالرزاق نماینده این شاخه شعری است. به این ترتیب با انتخاب این موضوع به طور کلی وضعیت هجو در شعر قرن ششم یا همان سبک سلجوقی روشن می‌شود. «در شعر این دوره مهاجرات یا رواج هجوهای متقابل بسیار دیده می‌شود؛ یعنی در شعر شاعران این دوره طرف هجو مشخص است، از جمله مهاجرات ابوالعلاء گنجوی با خاقانی و مهاجرات خاقانی و رشید و طواط بسیار معروف است» (ر.ک: میرصادقی، ۱۳۷۳: ۳۰۳).

پژوهش حاضر ضمن پرهیز از ذکر الفاظ مستهجن می‌کوشد به شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی هجویات سنایی، انوری و جمال‌الدین عبدالرزاق بپردازد و آن‌ها را در سه حیطه زبانی، فکری و ادبی بررسی کند. شناخت بهتر اسلوب هر سه شاعر در هجویات از اهداف پژوهش حاضر است. در این تحقیق به پرسشهای زیر پاسخ داده خواهد شد:

۱- سبک اشعار هجوی سنایی، انوری و جمال‌الدین در مقایسه با یکدیگر دارای چه نقاط اشتراک و افتراقی است؟

۲- اشعار هجوی کدام یک از سه شاعر از بسامد بالاتری برخوردار است؟

۳- انگیزه سرایش هجو نزد سه شاعر چیست؟

## ۱-۲- پیشینه پژوهش

تحقیقاتی که با موضوع هجو در زبان فارسی در قالب کتاب انجام شده بسیار اندک است و تنها یک کتاب از عزیزاله کاسب با عنوان «چشم انداز تاریخی هجو» (۱۳۶۶) و یک کتاب هم از ناصر نیکوبخت با عنوان «هجو در شعر فارسی» (۱۳۸۰) نوشته شده که در آن کتاب به نقد و بررسی شعر هجوی از آغاز تا عصر عبید زاکانی پرداخته است. در آن کتاب فقط سه تا چهار صفحه به شاعران مورد نظر اختصاص یافته است. مقالاتی هم در این باب نوشته شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: سید احمد پارسا (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌شناسی هجویات خاقانی» به سبک‌شناسی هجویات پرداخته است و بیان داشته که این مقاله می‌تواند دریچه‌های به روی شناخت هجویات سایر شعرا بگشاید.

سید احمد پارسا (۱۳۸۷) در مقاله «مقایسه سبکی هجویات در دو دیوان خاقانی و متنبی» به بررسی اشتراکات و افتراقات هجویات این دو شاعر پرداخته است.

محمد صرفی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «ابن رومی و انوری در عرصه هجوسرایبی»، در این مقاله مضامین مشترک «هجو» در شعر دو شاعر بررسی شده و شواهدی که دلالت بر تشابه این مضمون در شعر دو شاعر می‌کند، مورد تحلیل قرار گرفته است.

سید بابک فرزانه و محمد شریف حسینی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «ظهور هجو شهرها در دوره سامانی و غزنوی»، به بررسی هجو شهرها در شعر شاعران پرداخته که با نوع ادبی شهرآشوب همپوشانی می‌یابد.

این پژوهش‌ها، گویای این مطلب است که هر کدام از آن‌ها بنا به اهتمام پدیدآورنده، به جنبه خاصی از زندگی و اشعار هجوی این شاعران پرداخته‌اند. نوع بررسی و تحلیل ما در این پژوهش نیز بیانگر زاویه دید خاص و متمایز است که در هیچ تحقیقی سابقه نداشته است؛ بنابراین با بررسی‌های انجام گرفته مشخص شد که تا کنون هیچ کار تحقیقی و پژوهش مستقلی در مورد مقایسه سبکی هجو در شعر سبک سلجوقی، به ویژه شاعران سرآمد و نامدار این سبک شعری یعنی سنایی، انوری و جمال‌الدین اصفهانی انجام نشده است.

## ۲- بحث

### ۲-۱- تعریف هجو

هجو مصدر عربی است که هم از ناقص واوی (هجا - یهجو) و هم از ناقص یائی (هجی - یهجی) ساخته می‌شود. مؤلفان «لسان العرب»، «منتهی الارب»، «تاج العروس» و امثال آن معانی متنوعی برای این واژه برشمرده‌اند که بعضی از آن‌ها به اختصار چنین است: ۱. بدگویی از کسی به شعر ۲. برشمردن حروف یک واژه ۳. تسکین یافتن گرسنگی ۴. پر کردن شکم، غذا خوردن ۶. قورباغه (لسان العرب: ذیل هجو).

برخی از پژوهشگران بر این باورند که واژه هجو به معنای لغوی آن، با همه واژه‌های هم ریشه آن تناسب معنایی دارد و ممکن است از یک یا همه آن‌ها گرفته شده باشد. ممکن است هجا به معنی ادبی آن برگرفته از معنی قورباغه باشد؛ زیرا دارای شکلی زشت و صدایی نکوهیده است و یا برگرفته از شدت گرماست که در آن عذاب و سختی است. این واژه برگرفته از هجا به معنی برشمردن حروف یک کلمه است؛ زیرا کسی که حروف یک واژه را بر می‌شمارد، پرده از آن برمی‌دارد همچنان که باد پرده از اندرون خانه برمی‌دارد (ر.ک: محمدحسین، ۱۹۷۰: ۱۹). فیروزآبادی هجو را دشنام دادن به شعر معنی کرده است (قاموس المحيط: ذیل هجو). به نظر می‌رسد این دیدگاه بر پژوهشگران زبان‌های دیگر نیز بی‌تأثیر نبوده است؛ در «فرهنگ اصطلاحات ادبی» معنی هجو چنین آمده است: «هجو در اصطلاح بدگویی از کسی به شعراست، به شرطی که آن چه بر کسی عیب گرفته می‌شود برای او واقعاً عیب باشد. هجو در شعر فارسی نخستین جلوه طنز و سنتی برگرفته از ادبیات عرب در دوران جاهلیت است» (ر.ک: داد، ۱۳۷۸: ذیل هجو).

انحصار هجو به شعر، ایراد اساسی همه تعریف‌های مذکور است. در حالی که در متون ادب پارسی نمونه‌های بسیار از هجو به نثر نیز دیده می‌شود؛ به عنوان نمونه می‌توان به هجو شرف‌الدین خوارزمی در تاریخ جهانگشا اشاره کرد (ر.ک: جوینی، ۱۳۸۲: ۲۶۲۰)، یا هجو جمال‌الدین علی عراقی در نغته‌المصدر (ر.ک: زیدری نسوی، ۱۳۴۲: ۷۵) و در زبان و ادب عربی به هجو ابولهب در قرآن کریم (سوره مسد) می‌توان اشاره کرد.

علاوه بر این‌ها، در تعریف اخیر دو ایراد اساسی دیگر نیز به چشم می‌خورد، نخست اینکه شرط هجو را وجود عیب در هجوشونده دانسته در حالی که ممکن است کاستی‌ها و عیوب منسوب به مهجو، ادعایی باشد. دوم اینکه هجو را سنتی برگرفته

از ادب عرب می‌داند، هر چند ممکن است برخی از سرایندگان فارسی زبان در دوره‌های بعد از هجوگویان عرب متأثر شده باشند، اما نمونه‌های فراوانی از هجو در ادب فارسی کهن وجود دارد که ساختار آن‌ها بیانگر هویت ایرانی این هجویات است، به عنوان مثال می‌توان به هجویی که بلخیان درباره شکست اسد بن عبدالله، حاکم خراسان، از امیر ختلان و خاقان چین در سال (۱۰۸ هـ) سروده‌اند یا شعر هجایی یزید بن مفرغ اشاره کرد (ر.ک: صفا، ۱۳۶۹: ۱۴۸)، همچنین عدم توجه به تفاوت ماهوی طنز و هجو از دیگر اشکال‌های تعریف فوق محسوب می‌شود. البته تعاریف گوناگون دیگری نیز از هجو ارائه شده است که برای جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آن خودداری می‌شود. به نظر می‌رسد تعریف زیر کامل‌ترین تعریف اصطلاحی هجو باشد: «هرگونه تکیه و تأکیدی بر زشتی‌های وجود یک چیز خواه به ادعا خواه به حقیقت هجو است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۵۱).

## ۲-۲- پیشینه هجو در شعر فارسی

دیدگاه صاحب‌نظران درباره خاستگاه و منشأ هجو در زبان و ادبیات فارسی متفاوت است، عده‌ای بر آن هستند که در شعر ابتدایی فارسی هجو وجود نداشته و هجو از زبان و ادبیات عرب وارد زبان و ادبیات فارسی شده است (ر.ک. نیکوبخت ۱۳۸۰: ۵۴). ذبیح‌الله صفا می‌گوید: «هزل و هجو از موضوعاتی است که در شعر عربی از سابق الایام وجود داشته و در شعر فارسی از ادبیات عرب تقلید شده است» (صفا، ۱۳۶۹: ۳۵۳). درباره این نظریه دو ایراد اساسی وجود دارد: «اول اینکه ستایش و مذمت، تحسین خوبی‌ها و تقبیح بدی‌ها از مضامین مشترک ادبیات همه ملل است، اگر آثار باقی مانده ملتی در خصوص این مضامین مسبوق به سایر آثار باشد، نمی‌توان آن ملت را مبدع و سایرین را مقلد به حساب آورد؛ دوم، نخستین اشعار پراکنده و مختصر بازمانده از شاعران پارسی‌گوی، نشان می‌دهد که این ابیات مشتمل بر مضامین هجوند، مثل شعر یزید بن مفرغ در هجو سمیه، ترانه مردم بلخ در هجو اسد بن عبدالله یا سروده مردم بخارا در مذمت عشق بازی‌های سعید بن عثمان (نیکوبخت، ۱۳۸۰: ۵۱). پس اگر بنا باشد که این سروده‌ها را به عنوان اولین سروده‌های فارسی تلقی کنیم، باید بگوییم نطفه‌های شعر فارسی با هجو بسته شده است.

علاوه بر نمونه‌های هجو در نخستین اشعار فارسی به جا مانده از ادبیات بعد از اسلام، آنچه از اشعار فارسی قرن چهارم در دست است نیز نشان می‌دهد که در آن دوره هجو در شعر فارسی به حد کمال و کافی معمول بوده و اغلب جنبه شوخی بین شاعران و دوستان و نزدیکان آنان یا جنبه تعرض از طرف شاعر به مخالفان او داشته است. باید توجه داشت که این رکاکت به شدت دوره‌های بعد نمی‌رسد، این هجویه‌ها اغلب لحنی ملایم و متین دارد، اما به تدریج مضمون هجویه‌ها، بی‌پروا تر و گستاخانه‌تر شد، به طوری که در دوره سلجوقیان هم حجم این نوع شعر در دیوان‌ها بیشتر و هم زبان آن‌ها گستاخانه‌تر شده است (ر.ک: صفا، ۱۳۶۹: ۳۵۴). سده ششم هجری را می‌توان اوج ترقی هجوسرایی در شعر فارسی دانست و بسیاری از برجسته‌ترین هجوسرایان پارسی‌گو در این سده برآمدند.

## ۲-۳- هجو، هزل و طنز

صرف نظر از معانی لغوی، بیشترین تفاوت هجو و هزل در اهداف و کاربرد آن است. هدف طنز اصلاح است، هدف هجو تخریب شخصیت هجوشونده و رنجاندن اوست، ولی هزل هرچند در ظاهر به نظر می‌رسد هدفی جز خندانیدن نداشته باشد، گاهی بیان مشکلات اجتماعی در قالب فکاهی است و در این جا به طنز نزدیک می‌شود و گاه با نکوهش فرد یا افرادی در قالب شوخی، خود را به هجو نزدیک می‌کند و همین امر موجب شده گروهی آن را از اغراض هجو به شمار آورند (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۲۰۷)، بنابراین گاهی مرز هزل به هجو یا طنز نزدیک می‌شود و گاهی تنها قصد آن خندانیدن است، پس می‌توان گفت تفاوت طنز، هزل و هجو در این است که: «طنز انتقاد و استهزای غیر مستقیم معایب گروه یا جامعه خاصی به منظور

اصلاح آن‌هاست، هجو عیب‌جویی، استهزاء، بدگویی و گاه دشنام به شخص یا موضوعی خاص است که صریح، تند و تیز است، غرض شخصی و جنبه تفریحی دارد؛ ولی هزل شوخی‌های نامطبوع، بی‌پرده و گاهی رکیک و غیراخلاقی است که هدف خاصی جز سرگرمی، خنده و تفریح ندارد» (نیکوبخت، ۱۳۸۰: ۹۵).

#### ۲-۴- تبری سه شاعر از هجوگویی

هر سه شاعر مدعی هستند که از هجو پروا دارند یا کسی را هجو نکرده‌اند که این نکته در اشعار آن‌ها آمده است و به ترتیب به آن‌ها اشاره می‌شود. سنایی معتقد است که کسی را هجو نکرده است:

هرگز ندیده و نشنیده این کسی زمن کردار ناستوده، و گفتار ناسزا  
این فخر بس مرا که ندیده ست هیچ کس در نثر من مذمت و در نظم من هجا  
(سنایی، ۱۳۸۸: ۵۷)

انوری در تبری از شعر هجو در خصوص بلخ و اکابر آن دیار مدعی است که هرگز زبان به هجو نگشوده و هجو را بابی از کفر و کافری دانسته است:

آن نمی‌گویم که در طی زبان ناورده‌ام آن هجا کان نزد من بابی بود از کافری  
گر بخاطر بگذرانیدستم اندر عمر خویش یابی‌ام چونان که گرگ یوسف از تهمت بری  
(انوری، ۱۳۶۴: ۴۷۲)

ترا هجا نکند انوری معاذالله نه اوکه از شعرا کس تورا هجا نکند  
نه از بزرگی تو زانک از معایب تو چه جای هجو که اندیشه هم کرا نکند  
(همان: ۶۴۲)

جمال‌الدین عبدالرزاق نیز در هجو ید طولائی دارد، اگرچه بارها ادعا کرده که به مدح و هجو گفتن عادت ندارم:  
مرا خود نیست عادت هجو گفتن که کرده‌ستم طمع زین قوم کوتاه  
معاذالله که من کس را کنم هجو ز مدح گفته نیز استغفرالله  
(جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۹۱: ۳۷۱)

از نظم من تقاضا هرگز نخوانده کس وز شعر من نشان ندهد هیچکس هجا  
(همان: ۲۰)

با وجود این از لسان شرع برای خود این مجوز را صادر کرده که اگر کسی حق او را ضایع کند برایش هجو گوید:

اگر در شعر من زین پس یکی بیت هجا گفتم مرا معذور باید داشت چون آن بیت می‌خوانی  
روا باشد هجای آنکه حق من کند ضایع بخوان آن لایحِب الله اگر قرآن همی دانی  
(همان: ۳۷۲)

#### ۲-۵- مقایسه سبکی هجویات سنایی، انوری و جمال‌الدین عبدالرزاق

به‌طور کلی می‌توان گفت «سبک وحدتی است که در آثار کسی دیده می‌شود، یک روح با ویژگی‌های مشترک در آثار کسی است» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۶). تجزیه و تحلیل سبک‌شناسی متون، نیازمند روشی است که ساده‌ترین راه آن تحلیل متن از طریق سه دیدگاه زبانی، ادبی و فکری است تا با تجزیه متن به اجزای کوچک‌تر و تبیین رابطه آن‌ها با یکدیگر به ساختار متن دست

یابیم. سطح زبانی متشکل از سه سطح موسیقایی، لغوی و نحوی است. مقایسه سبکی هجو در شعر هر سه شاعر موارد گوناگونی را در بر می‌گیرد که در این پژوهش به هجویات هر سه شاعر در سه حیطه زبانی، ادبی و فکری می‌پردازیم.

### ۱-۵-۲- سطح زبانی

این سطح در میان دیگر سطوح مورد بررسی در سبک‌شناسی از گستردگی بیشتری برخوردار است و به سطح لغوی و آوایی تقسیم می‌شود:

#### ۱-۱-۵-۲- سطح لغوی

در این سطح به دلیل تفاوت‌های زبانی میان سه شاعر، تنها مواردی را بررسی می‌کنیم که در هجویات سه شاعر مشترک باشد.

#### ۲-۵-۱-۲- تشبیه فرد مورد هجو به حیوانات

سنایی نسبت به جمال‌الدین و انوری بیشتر از نام حیوانات در هجو استفاده کرده است. وی از سی و هشت جاندار، صد و شصت و سه بار در هجویات خود استفاده کرده و آن‌ها را در خدمت هجو قرار داده است. برای مثال در دو بیت چهار بار از نام حیوانات استفاده کرده است:

همچو مار از بدی و منحوسی	همه	ساله	شکار	طاووسی
پس همه چون خرنند بی تابند	گرد	اسبم	چگونه	دریابند

(سنایی، ۱۳۸۷: ۶۵۴)

برای موارد دیگر رجوع کنید به دیوان، صفحات: (۲۳-۷۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۷۱-۱۷۸-۱۹۸-۲۰۲-۲۰۳-۲۷۱-۲۷۲-۳۲۴-۳۶۵-۶۱۷)

و در حدیقه، صفحات: (۱۸۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۸۰-۳۶۲-۳۶۳-۴۳۱-۴۴۱-۴۵۶-۶۰۷-۶۴۷-۶۴۹-۶۵۱-۶۵۴-۶۷۶-۶۸۳-۶۸۷)

اما انوری بیست و پنج جانور را صد و دوازده بار در هجویات خود به کار برده و آن‌ها را در خدمت هجو قرار داده است. وی با الفاظ تند و صریح فرد مورد هجو را به حیوانات تشبیه می‌کند. او در ابیات زیر فرد مورد هجو را به حیواناتی؛ چون: کفتار، خرس، خوک و سگ تشبیه کرده است و الفاظی؛ چون: کریه المنظر بودن، نگون‌بخت بودن، سخره بودن، زبون بودن و دهن دریده بودن را به او نسبت داده است:

ای گنده دهان چو شیر و چون گرگ حرون	چون خرس کریه شخص و چون خوک نگون
چون بوزینه سخره و چو کفتار زبون	چون گربه دهن دریده و چون سگ دون

(انوری، ۱۳۶۴: ۱۰۲۱)

نشانی ابیاتی که انوری در دیوان از نام حیوانات برای هجو استفاده کرده است؛ عبارتند از: (۲۰-۴۲۰-۵۱۶-۵۱۹-۵۲۰-۵۷۹-۶۰۳-۶۲۱-۶۵۲-۶۵۳-۷۰۱-۷۳۳-۷۴۲-۷۴۴-۷۵۷-۷۶۰-۱۰۲۱)

جمال‌الدین عبدالرزاق از سیزده جاندار چهل و سه بار در دیوان خود استفاده کرده، و آن را در خدمت هجو قرارداده است. در دو بیت زیر که در هجو روزگار است، چهار بار از نام حیوانات استفاده شده است:

خرچنگ کجرو است مه اندر کنار اوست	ورشیر ابخر است غزاله شکار اوست
طبع سگی چو هر کسی از تو نشان دهد	گردون چرا نواله به من استخوان دهد

(جمال‌الدین، ۱۳۹۱: ۲۵)

نشانی ابیاتی که جمال‌الدین از نام حیوانات برای هجو استفاده کرده است؛ عبارت‌ند از: دیوان، صفحات: (۲۵-۹۸-۱۰۶-۱۶۴-۲۴۵-۲۹۸-۳۳۹-۳۴۴-۳۴۶-۳۶۴-۳۷۲-۳۹۴-۴۱۲)

جدول (۱): بسامد نام جانوران در هجویات سنایی

ردیف	نام جانور	بسامد	جمع کل بسامد
۱	سگ	۳۸ بار	۳۸
۲	خر، گریه، گرگ	هر کدام ۱۴ بار	۴۲
۳	موش، مار	هر کدام ۷ بار	۱۴
۴	عنکبوت، شتر، گاو، پشه، مرغ، کرکس	هر کدام ۴ بار	۲۴
۵	خفاش، مگس، باز، جغد، خوک، شیر	هر کدام ۳ بار	۱۸
۶	زنبور، پلنگ، خرس، اسب، گوزن، آهو، بوزینه	هر کدام ۲ بار	۱۴
۷	طوطی، بز، خرگوش، طاووس، مور، سمور، خارپشت، کرم، زاغ، خروس، هما، گورخر، شغال	هر کدام یک بار	۱۳
جمع کل: ۱۶۳ بار			

جدول (۲): بسامد نام جانوران در هجویات جمال‌الدین عبدالرزاق

ردیف	نام جانور	بسامد	جمع کل
۱	سگ	۸ بار	۸ بار
۲	پلنگ، طاووس	هر کدام ۶ بار	۱۲ بار
۳	روباه، شیر، طوطی	هر کدام ۴ بار	۱۲ بار
۴	نهنگ، آهو	هر کدام ۳ بار	۶ بار
۵	خرچنگ، گرگ، گریه، خر، موش	هر کدام یک بار	۵ بار
جمع کل: ۴۳ بار			

جدول (۳): بسامد نام جانوران در هجویات انوری

ردیف	نام جاندار	بسامد	جمع کل بسامد
۱	خر، سگ	۱۱ بار	۲۲
۲	گاو، اسب، خر	هر کدام ۸ بار	۲۴
۳	مار، پلنگ	۶ بار	۱۲
۴	روباه، گرگ، کفتار	هر کدام ۵ بار	۱۵
۵	موش، خرس، خوک، بوزینه	هر کدام ۴ بار	۱۶
۶	مورچه، سیمرغ، شتر، مگس، جغد	هر کدام ۳ بار	۱۵
۷	آهو(غزال)، شیر	هر کدام ۲ بار	۴
۸	گریه، خرگوش، عنکبوت، باز	هر کدام یک بار	۴
جمع کل ۱۱۲			



### ۳-۱-۵-۲- استفاده از ساخت مصغر

هر سه شاعر کم و بیش در هجویاتشان از ساخت‌های مصغر استفاده کرده‌اند، سنایی ۶ بار در هجویاتش از ساخت مصغر بهره برده است؛ به عنوان مثال در قطعه زیر در هجو علی سه بوسش گفته است:

در چشمت ای رفیقک ای خام قلتبان  
برتر ز سرومان همی آید حشیش تو  
آن به که در هجای تو از تو بنگذرم  
تصحیف معنی لقب تو به ریش تو  
(سنایی، ۱۳۸۸: ۶۴۳)

انوری بیش از جمال‌الدین و سنایی از ساخت مصغر در هجویاتش بهره برده است. وی نه بار از این ساخت برای تحقیر و تمسخر صاحب‌منصبان دربار استفاده کرده است:

...رابعا این کریم گنده‌دهان  
مردکی اشقر است و رومی روی  
مردکی حیلتی و ناموسیست  
گویی از راهبان ناقوسیست  
(انوری، ۱۳۶۴: ۵۶۶)

در ابیات زیر شاعر سعی نموده است با استفاده از «ک» تصغیر و «ی» وحدت، مخاطب خود را مورد تحقیر قرار دهد:  
با یکی مردک کناس همی گفتم دی  
توچه دانی که ز غبن تو دلم چون خستست  
(همان: ۵۶۱)

ای صدر نایی به ولایت فرست زود  
معزول کن شهابک منحوس دزد را  
(همان: ۶۱۳)

جمال‌الدین عبدالرزاق نسبت به دو شاعر دیگر ساخت مصغر را کمتر به کار برده و تنها سه بار از ساخت مصغر استفاده کرده است؛ به عنوان مثال در قطعه زیر که در هجو مجیر بیلقانی سروده به سبب اینکه مجیر اصفهان را هجو کرده است، چنین می‌سراید:

هجو می گویی ای مجیرک! هان!  
تا تو را زین هجا به جان چه رسد؟  
در صفاهان زبان نهادی باش  
تا سرت را از این زبان چه رسد؟  
(جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۹۱: ۳۴۴)

### ۴-۱-۵-۲- کاربرد واژه‌های نامتعارف (مستهجن)

یکی از ویژگی‌های لغوی در سبک‌شناسی هجویات استفاده از واژه‌های نامتعارف یا به اصطلاح تابو است. این واژه‌ها کم و بیش در هجویات سراینده‌گان به چشم می‌خورد و بسامد آن در سروده‌های هجوآمیز شعرا متفاوت است. منظور تابو، الفاظی هستند که به کارگیری آن‌ها در عرف و هنجار جامعه پذیرفته نیستند و نوعی ضد هنجار تلقی می‌شود؛ مثلاً استفاده از کلمات مستهجن و رکیک در هجویات خلاف عرف و ارزش‌های یک جامعه است.

سنایی در هجویاتش سیزده بار و در دیوان بیست و یک بار و حدیقه از واژه‌های تابو استفاده کرده که به نشان آن اشاره می‌شود، در دیوان صص: (۱۶۷-۱۹۱-۲۷۸-۶۱۸-۶۱۹-۶۵۲) و در حدیقه صص: (۳۶۳، ۳۸۷، ۴۳۰، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۶، ۶۸۴، ۶۸۷)، کم نیست هتاکی‌های او در حدیقه که هجو است و در عین حال استوار و زیبا که با همه استهجان لحن،

از مهارتی شگفت آور در زبان شعر خبر می دهد و سیطره سنایی را بر قلمرو الفاظ و تعبیرات شاعرانه در سرحد کمال نشان می دهد (ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۶).

گویا سنایی زشت چهره بوده است و در مورد زشتی چهره خود کسی را هجو و از واژه مستهجن استفاده کرده است:

زشت همی گویی هر ساعت      رو تو همی گوی که من نستهم  
روی نکوی تو چه کار آیدم      شاعرم ای دوست نه من ...ن دهم  
(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۰۷۹)

انوری در هجویاتش بیست و چهار بار از واژه های تابو استفاده کرده است. نشانه های ابیات در دیوان صفحات: (۴۵۵ - ۴۵۶-۵۱۶-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۵-۶۵۸-۶۶۷-۷۰۱-۹۵۷).

وی در بدزبانی و رکاکت لفظ، همچون اراذل و اوباش و طبقات پست جامعه از هیچ زشتی و پرده دری ابا نکرده، و با به کار گرفتن تمام عوامل قوت و قدرت هجو؛ از جمله: تعریض، کنایه، تهکم، کوتاهی شعر، رسایی بیان و به استخدام درآوردن صنایع شعری، دمار از روزگاران مهجویان خود برآورده است (ر.ک. نیکوبخت ۱۳۸۰: ۲۷۸).

می نبینی که روزگار چه کرد      به فلک برکشید دونی را  
بر سر آدمی مسلط کرد      آنچنان خر ک... فراخ را  
(انوری، ۱۳۶۴: ۵۱۸)

جمال الدین محمد شاعری کم هجاست. اشعار هجوی دیوان وی نسبت به سنایی و انوری بسیار کم و ملایم است. در شعر او کلمات رکیک به ندرت به کار گرفته شده و کمتر از جاده عفاف خارج شده و عرض و ناموس کسان را هدف قرار نداده است.

جدول (۴): مقایسه هجویات سه شاعر در سطح زبانی

تعداد در هجویات انوری	تعداد در هجویات جمال الدین	تعداد در هجویات سنایی	حوزه بسامدها
۱۱۲	۴۳	۱۶۳	نام جانوران
۹	۳	۶	ساخت مصغر
۲۴	۰	۲۷	واژه تابو
۱۴۷	۴۹	۱۹۳	جمع

#### ۵-۱-۵-۲- استفاده از آیات قرآنی در هجو

از ویژگی های زبانی هجویات سنایی، انوری و جمال الدین استفاده از آیات قرآنی در هجو است. به نظر می رسد هر سه شاعر از دانش عربی و علوم قرآنی بهره کافی داشته اند. قطعه زیر مثال بارزی بر این مدعاست که سنایی در آن با تضمینی زیبا قسمتی از سوره مبارکه توحید را در هجو مدعیان حقیقت به کار می برد:

پادشاه را ز پی شهوت و آز      رخ به سیمین بر و سیمین صنم است  
صوفیان را ز پی راندن کام      قبله شان شاهد و شمع و شکم است  
زاهدان را ز پی زه و زه      «قل هو الله احد» دام و دم است...  
(سنایی، ۱۳۵۴: ۹۵)

انوری نسبت به دو شاعر دیگر بیشتر از آیات قرآنی در هجو استفاده کرده است، در قطعه زیر با تضمینی زیبا قسمتی از آیه هفتم سوره مبارکه نحل را در بیان حسّت مخاطب به کار می‌برد:

خوان خواجه کعبه است نان او بیت الحرام  
 نیک بنگر تا به کعبه جز به رنج تن رسی  
 بر نبشته بر کنار نان او خطی سیاه  
 «لم تكونوا بالغيه الا بشق الا نفس»  
 (انوری، ۱۳۶۴: ۶۱۴)

جمال‌الدین خیلی کمتر از انوری و سنایی از آیات قرآنی در هجو استفاده کرده است. وی با استفاده از آیه چهارم و هشتم سوره نساء سرودن هجویات خود را توجیه می‌کند:

اگر در شعر من زین پس یک بیت هجا گفتم  
 مرا معذور باید داشت چون آن بیت می‌خوانی  
 روا باشد هجای آنکه حق من کند ضایع  
 بخوان ان «لا يحب الله» اگر قرآن همی دانی  
 (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۶۲: ۴۲۵)

اشاره است به آیه «لا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا» (نساء / ۱۴۸) ترجمه: خداوند دوست ندارد که کسی به عیب خلق صدا بلند کند، مگر کسی که ستمی بدو رسیده باشد و خداوند شنوا و بینا است.

#### ۲-۵-۲- سطح ادبی

در این سطح، مباحث بیانی و صور خیال به کار رفته در اشعار شاعر، اوزان عروضی و قالب‌های شعری در هجویات هر سه شاعر مورد نقد و تحلیل قرار می‌گیرد. ناگفته پیداست که هر اثر ادبی با دارا بودن سبک ادبی از آثار دیگری که سبک علمی یا عامیانه دارند ممتاز است و سبک ادبی را شکلی از زبان معرفت در برابر زبان علم دانسته‌اند که به ساحت عاطفی زبان مربوط است و ما در شعر با آن سر و کار داریم (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۲). به نظر می‌رسد که هر قدر شاعر در هجو خشمگین‌تر باشد، زبان او کیفیت ادبی خود را بیشتر از دست می‌دهد، البته این سخن به معنی خالی بودن هجویات شاعران مورد نظر از صور خیال و اندیشه‌های شاعرانه نیست.

#### ۱-۲-۵-۲- صور خیال

یکی از جلوه‌های ذوق هر شاعر، قدرت تخیل اوست که شاعر هنرآفرین با روحی لطیف و حساس از پدیده‌های زیبا متأثر گشته و تصویرهای خیال‌انگیز می‌آفریند. صور بیانی از جمله عناصری است که شاعران و نویسندگان برای زیباتر ساختن سخن خود از آن‌ها استفاده می‌کنند. در هجویات هر سه شاعر توجه به این تصاویر خیالی (تشبیه، استعاره، جناس، کنایه و مجاز) نمایان است.

سنایی برای تصویرآفرینی و ایراد پیام خود در هجویات اغلب از تشبیه و جناس مدد جسته‌است و کاربرد استعاره، کنایه و مجاز در رده‌های بعدی قرار دارد. در هجویات وی موضوع شبه‌به‌ها، هم در تشبیه و هم در استعاره، اغلب مظاهر و جهان طبیعت و پدیده‌های عینی است، شاعر به شدت عینیت‌گراست و مخاطب برای او بسیار اهمیت دارد و از این رو اغلب از شبه‌به‌حسی در تصاویر خود استفاده می‌کند. سنایی در قطعه زیر از خویشان و نزدیکان گران‌جان خود انتقاد می‌کند و خویش را به ریش تشبیه می‌کند که هم شبهه و هم شبه‌به آن حسی است؛ «اقارب» را «عقارب»، «عم» را «غم» نامیده و از نوعی جناس استفاده کرده است:

این گره را که نام کردی خویش  
 هر یکی گزدمند با صد نیش  
 گرچه ایشان اقاربند همه  
 در اقارب، عقاربند همه

خویش نزدیک همچو ریش بود  
 عم که بدگوی و پرستم باشد  
 بیش کاویش رنج بیش بود  
 عم نباشد که درد و غم باشد  
 نشیندی که راند در امثال  
 رو تو عم، غم شمار و خال، وبال  
 (سنایی، ۱۳۸۸: ۶۵۵)

هجویات انوری عاری از هر گونه تصنع و تکلف است. هرچه صنعت در آن دیده می‌شود به طور طبیعی و در حد اعتدال است. «انوری سادگی و روانی کلام خود را با خیالات دقیق غنایی به هم آمیخت» (صفا، ۱۳۶۹: ۲۸۹). در هجویات او هر چه صنعت‌پردازی متکلفانه است؛ اعم از بدیع و بیان، همه خودجوش و طبیعی و به دور از صنعت‌پردازی متکلفانه است و به همین دلیل بیشتر تشبیهات و استعارات بسیار ساده و کنایات و تلمیحات به ذهن مخاطبان نزدیک است. وی الفاظ و ترکیبات و صور خیال و معلومات وسیع خود را چنان روان و یکدست به کار می‌گیرد که اکثر اشعار هجویی او دارای چندین لایه و تو در تو است، به گونه‌ای که برای فهم دقیق، باید چندین و چند بار آن‌ها را خواند. انوری اغلب در هجویات از وجه شبه‌های بکر و تازه سود می‌جوید به گونه‌ای که این امر یکی از بارزترین ویژگی‌های سبکی اوست. در بخل و خست می‌گوید:

گر اندک صلتی بخشد امیرت  
 از او بستان کرو بسیار باشد  
 عطای او بود چون ختنه کردن  
 که اندر عمر خود یکبار باشد  
 (انوری، ۱۳۶۴: ۳۷۹)

در این قطعه انوری عطای مهجو را به ختنه کردن تشبیه نموده که وجه شبه آن یکبار بودن در طول عمر است. این وجه شبه، وجه شبهی است تازه و جدید که در هجویات سنایی و جمال‌الدین یافت نشده است. یا در قطعه زیر در مذمت شخصی او را به اجرام فلکی تشبیه کرده و چند بار از مشبه به استفاده کرده که باز وجه شبه در آن بسیار بکر و تازه است:

ای نحس چو مریخ و زحل بی گه و گاه  
 چون زهره غر و چو مشتری غره به جاه  
 چون تیر منافق، نه سفید و نه سیاه  
 غماز چو آفتاب و نمّام چو ماه  
 (همان: ۱۰۲۵)

در هجویات جمال‌الدین دو عنصر تشبیه و کنایه نسبت به دیگر آرایه‌های ادبی (استعاره، مجاز و جناس) از فراوانی بیشتری برخوردارند؛ اما آنچه از نظر فراوانی کاربرد، ویژگی شعر او شمرده می‌شود، استفاده از تشبیه بلیغ و تشبیه تفضیل است. در نمونه‌ای در مذمت فلک می‌گوید: اگر مانند سنگ‌پشت سر در گریبان فرو برده‌ام به این دلیل است که این فلک مانند خرچنگ کج‌رو است (دو تشبیه در دو مصراع):

کج‌رو است این فلک چون خرچنگ  
 سر فرو برده از آن چون کشفم  
 (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۹۱: ۲۴۶)

## ۲-۲-۵-۲- اوزان عروضی

سنایی در هجویات، خود از بحرهای رمل، خفیف، هزج، مضارع، قریب، سریع و رجز استفاده کرده که بیشترین بسامد آن مربوط به بحر رمل (۲۶٪) است. جمال‌الدین عبدالرزاق از بحرهای مجتث، هزج، رمل، منسرح و متقارب بهره برده است و بیشترین بسامد آن مربوط به بحر مجتث (۲۴٪) است. انوری در هجویات، از بحرهای رمل، خفیف، مضارع، هزج، مجتث، منسرح، متقارب، سریع، قریب استفاده کرده است. بیشترین بسامد استفاده از بحور عروضی در هجویات انوری مربوط به بحر رمل (۲۹٪) است. هر سه شاعر در هجویات خود از بحرهای مشترکی در هجو استفاده کرده‌اند.

## ۳-۲-۵-۲- قالب‌های شعری

قالب‌های شعری قطعه، قصیده و مثنوی بیشتر از قالب‌های دیگر شعری مناسبت بیشتری با هجوسرایی دارد؛ به همین دلیل شاعران مورد بحث، اغلب این قالب‌ها را برای بیان هجوهای خود به کار برده‌اند.

سنایی در دیوان خود از قالب‌های قطعه، قصیده و رباعی برای هجو استفاده کرده است، وی پنجاه و پنج قطعه، هفت قصیده و سه رباعی را به هجو اختصاص داده و بقیه هجویاتش را در ضمن سایر اشعارش آورده است. مجموع اشعار انوری در تصحیح مدرس رضوی از دیوان شاعر در پنج قالب، ۱۰۵ قطعه، ۸ رباعی، ۸ غزل، ۴ قصیده و یک مثنوی بلند هجوی استفاده کرده است. موضوعات هجو و هزل در قطعات انوری بسیار متنوع و بیانگر شخصیتی دیگر از شاعر است، اما جمال‌الدین عبدالرزاق در هجویات خود از قالب‌های شعری قطعه، رباعی و قصیده استفاده کرده است. وی ۲ قصیده، ۲۸ قطعه، ۶ رباعی را به هجو اختصاص داده و بقیه هجویاتش را در ضمن سایر اشعارش آورده است.

به نظر می‌رسد قالب قطعه بیش از دیگر قالب‌های شعری با هجو تناسب داشته باشد، به همین خاطر بسامد هجویات در قالب قطعه بیشتر از سایر قالب‌هاست و هر سه شاعر بیشتر از این قالب شعری استفاده کرده‌اند. استفاده از قالب قصیده یکی از نکات مهم است که سنایی، انوری و جمال‌الدین از آن برای مضامین هجوی استفاده کرده‌اند و شاید این یکی از ویژگی‌ها و مختصات شعری این دوره است.

## ۳-۲-۵-۳- سطح فکری

سراینده در این سطح با انتساب صفات نکوهیده و سلب صفات نیکوی واقعی یا ادعایی از مهجو، او را نکوهش می‌کند و آماج انواع بی‌مهری قرار می‌دهد. برای این منظور از هجو خَلقی یا خَلقی استفاده می‌کنند. در هجو خَلقی (گوژی پشت، طاسی سر، کوتاهی و بلندی قد، ریش، کوری و...) خصوصیات ظاهری فرد را مورد نکوهش قرار می‌دهد. در هجو خَلقی عناصر باطنی (بخل و خست، دین، مذهب، شغل، طبقه اجتماعی، زن، دختر و بستگان)، مورد سرزنش قرار می‌گیرد (ر.ک. نیکویخت، ۱۳۸۰: ۲۰۲). در سطح فکری انگیزه‌های شاعر از سرودن اشعار، مهمترین درون‌مایه‌ها و مضامین شعری وی مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال در این شعر، سنایی به حاکمان جامعه که ظاهر انسانی دارند، ولی خوی و روش آن‌ها سگ‌صفتانه است حمله می‌کند و می‌گوید:

گرچه آدم‌صورتان سگ‌صفت مستولی‌اند  
جوهر آدم برون تازد برآرد، ناگهان  
هم کنون بینی که از میدان دل، عیاروار  
زین سگان آدمی کیمخت و خر مردم دمار

(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۲۶)

در جای دیگر او ریش را دستمایه هجو قرار داده است:

اگر ریش خواجه ببرند پاک  
که تا پاردم سازد از بهر آنک  
رسنگر بگیرد به بسیار چیز  
بود پاردم بر گذرگاه تیز

(همان: ۱۰۷۵)

در هجویات انوری که اوج هنر خویش را در آن به نمایش گذاشته، صفات ناپسند افراد علت سرایش هجوهاست. او به حق از قهرمانان این عرصه است و سخنانش بر سنایی و جمال‌الدین به مراتب برتری دارد. انوری با استفاده از ابیات فراوانی از عناصر ظاهری و باطنی هجو (خَلقی، خَلقی) در ذمّ بخیلان و وصف خست طبع و آزمندی آنان سروده است؛ از جمله در قطعه زیر که بخل و خساست فردی دیگر را یادآوری می‌کند و می‌گوید که بر سفره خواجه فقط دو کس می‌نشیند؛ فرشته و

مگس، می دانیم که فرشته نه قابل رؤیت است و نه توانایی غذا خوردن دارد، پس عملاً بر سر سفره خواجه نمی تواند بنشیند، از سوی دیگر مگس هم بر سر خوان خواجه بهره چندانی نمی گیرد و سفره و طعام سالم باقی می ماند:

دی از کسان خواجه بکردم یک سؤال      گفتم به خوان خواجه نشینند چند کس  
گفتا به خوان خواجه نشیند دو کس مدام      از مهتران فرشته و از کهتران مگس  
(انوری، ۱۳۶۴: ۵۸۰)

جمال الدین نیز با استفاده از عناصر باطنی و ظاهری هجو، مهجو خود را مورد سرزنش قرار داده است؛ به عنوان نمونه در قطعه زیر شاعر کوتاهی قد را به عنوان عیوب ظاهری در هجو استفاده نموده است:

باچنین کوتاهی و مختصری      از تو این کبر و عجب، بلعجی است  
وجبی نیست و پنداری      کز سرت تا به آسمان وجبی است  
(جمال الدین اصفهانی، ۱۳۹۱: ۹۷)

در هجو خُلقی با به کارگیری سلب و ایجاب به انتساب صفات زشت ادعایی یا واقعی و سلب صفات پسندیده از مهجو می پردازند و این مسئله ای است که بررسی آن از دیدگاه جامعه شناختی ادبیات حائز اهمیت است؛ زیرا با بررسی این ویژگی ها می توان ارزش ها و ضد ارزش های یک جامعه را در برهه خاصی از زمان به خوبی شناخت. به عنوان مثال وقتی کسی را به خاطر مال دوستی و خساست هجو می کنند اهمیت بخشش به عنوان یک ارزش اجتماعی آشکار می شود؛ مسائلی چون: دینداری، شجاعت، مهمان دوستی، دانش، جوانمردی و ... نیز به تناسب اوضاع جوامع مختلف می تواند مورد هجو واقع شوند. هرگاه مهجو شاعر یا نویسنده باشد، نوک تیز حملات بیشتر متوجه میزان توانایی، هنر، علم و دانش و نقد اثر ادبی وی خواهد شد. در این جا هجوکننده با سلب این ویژگی ها از مهجو یا انتساب صفاتی با بار معنایی ضد آن ها؛ همچون: بی دانشی، بی خردی، شاعر نبودن و امثال آن به هجو می پردازد. ابیات زیر نمونه هایی از سه شاعر در این مورد است:

این ابلهان که بی سببی دشمن مند      پس بلفضول و یافه درای و زنج زنند.  
من قرص آفتابم روزی ده نجوم      پس بلفضول و یافه درای و زنج زنند.  
(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۱۶)

جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی:

ای چرخ سفله پرور خس یار دون نواز      تا کی خطا و چند دغا راستی بباز  
طبع سگی چو هر کسی از تو نشان دهد      گردون چرا نواله به من استخوان دهد  
(جمال الدین اصفهانی، ۱۳۹۱: ۲۵)

انوری:

ای خواجه مکن تا بتوانی طلب علم      کاندر طلب راتب هر روز بمانی  
رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز      تا داد خود از کهتر و مهتر بستانی  
(انوری، ۱۳۶۴: ۷۵۱)

## ۶-۲- هجای شخصی و اجتماعی

در هجویات سنایی مهجو غالباً از میان طبقات اجتماعی اعم از پادشاهان، فقها، علما، صوفیان، غازیان، شعراء، ادبا و طبیبان است. وی کمتر به صورت خاص و شخصی کسی را هجو کرده و در حقیقت هجویات سنایی کاستی های اجتماعی تاریخ

سرزمین ما و عصر شاعر را نشان می‌دهد و نشان دهنده واقیعت‌های اجتماعی عصر اوست. هجوهای وی چنان نیست که او بر اساس کینه شخصی این افراد را مورد طعن و لعن قرار دهد. شعر او تصویری از جامعه‌ای است که در آن مردمان خردمند به الحاد متهم هستند؛ به عنوان مثال:

مرد هشیار در این عهد کم است  
ور کسی هست به دین متهم است  
(سنایی، ۱۳۷۵: ۷۶)

ای مسلمانان خلاق حال دیگر کرده‌اند  
از سر بی حرمتی معروف منکر کرده‌اند  
عالمان بی‌عمل از غایت حرص و امل  
خویشتن را سخره اصحاب لشکر کرده‌اند...  
(همان: ۱۰۹)

در شعر جمال‌الدین عبدالرزاق اگر چه نسبت به شعر سنایی و انوری هجو در آن کم‌رنگ‌تر است، موضوع هجویات او اغلب ناشی از تفاخر، طلب و تقاضا، طمع‌ورزی شاعر، بخل و امساک ممدوحان و تعلق آن‌ها در وفای به عهد است. هجویات او بیشتر جنبه اجتماعی دارد و به طور کلی در شعر او چهار مورد هجو شخصی دیده می‌شود. در قطعه‌ای پرده از چهره خواجگان عصر برمی‌دارد:

خواجگان را نگر برای خدا  
همه عامی و آنکه از پی فضل  
هر یکی در ولایت و ده خویش  
همه از هیچ کمترند ار چه  
کاندر این شهر مقتدایانند  
لاف‌پیما و ژاژخایانند  
کفش‌دزد و کله‌ربایانند...  
از تکبر همه خدایانند  
(جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۹۱: ۴۰۷)

کثرت اسامی هجو شوندگان در دیوان انوری بیانگر این نکته است که وی در هجو دوست و دشمن باز نمی‌شناخته و به محض رنجیده خاطر شدن از کسی به هجو او مبادرت می‌ورزیده است. زود رنجی انوری چنان بود که به دلیل کمتر رنجشی، زبان به هجو می‌آلود و حتی نزدیکان، دوستان خویش را از تیر هجو معاف نمی‌کرد. در هجو اشخاص، در بد زبانی و رکاکت لفظ، همچون اراذل و اوباش و طبقات پست جامعه از هیچ زشتی و پرده دری ابا نکرده است (نیکوبخت، ۱۳۸۰: ۷۵). از نمونه هجوهای شخصی او، قطعه‌ای کوتاه در مذمت عماد نامی است که بر تسلط و تبحر و قدرت شاعری وی در هجو دلالت دارد:

گمان مبر که ز بی عیبی عماد است آن  
که هجو او نکنم یا ز عجز و کم‌سخنی  
مدیح گفت هجا کرده من بسم به عماد  
برای من که هجا را بدو هجا نکنی  
(انوری، ۱۳۶۴: ۷۵۶)

## ۷-۲- هجو پنهان و آشکار (هجو خفی و هجو صریح)

هجویاتی که مخاطب یا مجهو در آن‌ها مشخص است هجو آشکار هستند، منظور از هجو پنهان هجویاتی است که مخاطب یا مجهو آن نامشخص است، سنایی گاهی به صراحت افراد را آماج تیر هجو قرار داده و گاهی هم به صورت پنهانی، اما او بیشتر تیپ‌های شخصیتی را مورد هجو قرار داده تا افراد خاص، در هجویات سنایی، غلبه با هجو صریح (آشکار) است. مهجویان سنایی در هجو آشکار به ترتیب بسامد عبارتند از: اصحاب دعوا، دشمنان جاهل، علمای دنیاجو، بزرگان زمان، هوی و هوس، خودش، علی سه‌بوسش، خواجه اسعد هروی، دنیاداران، معجزی شاعر، مردم بلخ، شهابی، یزید، حکیم طالعی، فرزددق، شمر و ملجم و علی نامی است:

ایا کشخان بد اصل ای سه بوشش  
 علی نامی دریغ این نام بر تو  
 ز هر خلقی که ایزد آفریده است  
 بتر سگ دم، و از سگ دم بتر تو  
 تو را از جمله اهل نیشابور  
 پدر ننگ آمد و ننگ پدر تو  
 به دونی منقطع کردی تو آن چیز  
 که لعنت باد و نفرین باد بر تو  
 (سنایی، ۱۳۷۵: ۱۰۹۱)

مهجوان عبدالرازق اصفهانی به صورت آشکار عبارتند از: خودش، خاقانی، مجیر بیلقانی. در شعر او معمولاً غلبه با هجو پنهان است. نمونه‌ای از هجو پنهان جمال، قطعه‌ای است که از کسی گاه طلب می‌کند و چون آن فرد عذر تراشیده، چنین مذمتش می‌کند:

که خواستم از تو ز ابلهی، من  
 گفتمی که رهیم نیست اینجا  
 نه تو، نه رهی تو، نه کاهت  
 ای عشوه فروش باده پیما  
 انبار و رهی چه حاجت ای خر  
 از مطبخ خاص خود بفرما  
 (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۹۱: ۳۸۵)

انوری با بی‌پروایی و روشنی تمام مورد هجو را با الفاظ صریح و آشکار، مشتمل بر فحش و بدزبانی هدف قرار داده است؛ البته تعدادی از هجوهای ایشان به صورت پنهان آمده است؛ مثلاً در قطعه‌ای ۲۱ بیتی، بسیاری از کارگزاران مشاغل دیوانی را با اسم و عنوان یاد کرده و پرده از بدسیرتی و بدکرداری آنان برداشته است:

خسروا این چه حلم و خاموشی است  
 صاحب این چه عجز و مأیوسی است  
 آخر افسوستان نیاید از آنک  
 ملک در دست مستی افسوسی است  
 اولاً نائی که نیست بکار  
 راست چون پیر کافر روسی است....  
 (انوری، ۱۳۶۴: ۵۶۷)

### ۳- نتیجه‌گیری

این پژوهش به مقایسه سبکی هجویات سنایی، انوری و جمال‌الدین عبدالرازق اصفهانی پرداخته و آن را در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی نموده که نتایج آن به شرح زیر است:

۱- در سطح زبانی هر سه شاعر با بهره‌گیری از موضوعاتی؛ چون: استفاده از نام جانوران در هجو، کاف تصغیر، استفاده از واژه‌های مستهجن و... مهجو خود را مورد هجو قرار داده‌اند. در واقع آن‌ها با انتساب صفات حیوانات به مهجو، بیشتر به هجو صفات خلقی و خلقی پرداخته‌اند. واژه‌هایی مانند: طبع سگی، سگ دون، دهن دریده بودن، کریه منظر و مصادیقی از این مفاهیم استفاده کرده‌اند، البته زبان شعری انوری و سنایی در این حوزه از هجو عفیف نیست و اشخاصی را که به آن‌ها وعده داده‌اند و عمل نکرده‌اند، آن‌ها را آماج بدترین دشنام‌ها قرار می‌دهند به نظر می‌رسد که هر قدر شاعر در هجو خشمگین‌تر باشد، زبان او کیفیت ادبی خود را بیشتر از دست می‌دهد. البته این سخن به معنی خالی بودن هجویات شاعران مورد نظر از صور خیال و اندیشه‌های شاعرانه نیست؛ اما جمال‌الدین عفت کلام را رعایت کرده است.

۲- در سطح ادبی، به نظر می‌رسد که هر قدر شاعر در هجو خشمگین‌تر باشد، زبان او کیفیت ادبی خود را بیشتر از دست می‌دهد، البته این سخن به معنی خالی بودن هجویات شاعران مورد نظر از صورخیال و اندیشه‌های شاعرانه نیست. در هجویات شاعران مورد نظر تصاویر خیالی (تشبیه، استعاره، جناس، کنایه و مجاز) نمایان است. انوری در تشبیه از وجه شبه‌های بکر و تازه نسبت به سنایی و جمال‌الدین استفاده کرده است. از نظر اوزان عروضی هر سه شاعر از اوزان شعری متنوعی در سرودن هجویات بهره گرفته‌اند و درسروده‌های سه شاعر به طور مشترک از بحرهای مضارع، هزج، مجتث و رمل استفاده شده است.



تنوع قالب‌های شعری مورد استفاده در هجویات هر سه شاعر دیده می‌شود، اما با توجه به اینکه قالب قطعه مناسب‌ترین با اشعار هجویی دارد، به همین دلیل بسامد هجویات در قالب قطعه در اشعار هر سه شاعر بیشتر از سایر قالب‌هاست.

۳- در سطح فکری انگیزه‌های شاعر از سرودن اشعار، مهمترین درون‌مایه و مضامین شعری وی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این حیطه خصوصیات باطنی و ظاهری مهجو مورد نکوهش قرار گرفته است. در هجو آشکار محور هجویات سنایی بیشتر به تیپ‌های شخصیتی پرداخته تا افراد خاص، اما در شعر انوری به دلیل زود رنجی، بدزبانی و رکاکت لفظ بیشتر به افراد خاص پرداخته تا تیپ‌های شخصیتی، اگر چه تیپ‌های شخصیتی هم مورد هجو او قرار گرفته‌اند. در هجویات او که اوج هنر خویش را در آن به نمایش گذاشت، هجوهای او به سبب صفات ناپسند افراد است؛ بنابراین انوری در هجو آشکار بیشتر از سنایی و جمال‌الدین افراد را آماج تیر هجو خود قرار داده است. از نظر بسامد ابیات هجو در شعر این سه شاعر به ترتیب سنایی، انوری و سپس جمال‌الدین اصفهانی قرار می‌گیرند.

## منابع

### ۱. قرآن کریم

۲. ابن مکرّم، جمال‌الدین محمد، (بی تا)، *لسان العرب*، بیروت: دارالصادر.
۳. انوری، محمد بن محمد، (۱۳۶۴)، *دیوان*، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، ۲ جلد، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
۴. پارسا، سید احمد، (۱۳۶۵)، «سبک شناسی هجویات خاقانی» *نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره بیست و پنجم، شماره ۴۸، صص. ۵۷-۶۸.
۵. جوینی، عطا ملک بن محمد، (۱۳۸۲)، *تاریخ جهانگشای جوینی*، تصحیح محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب، چاپ سوم.
۶. نسوی، محمد بن احمد (۱۳۴۳)، *نفته المصدر*، تصحیح امیر حسین یزگردی، تهران.
۷. داد، سیما (۱۳۸۷)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: انتشارات مروارید، چاپ سوم.
۸. سنایی، مجدود بن آدم، (۱۳۸۷)، *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه*، تصحیح مدرس رضوی (ویراست ۲) تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۸)، *دیوان*، به اهتمام بدیع الزمان فروزانفر، تهران: نگاه، چاپ سوم.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۲)، *مفلس کیمیافروش*، تهران: سخن، چاپ دوم.
۱۱. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۲)، *زبان شعر در نثر صوفیه*، تهران: سخن.
۱۲. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۳)، *تازیانه‌های سلوک*، تهران: آگاه، چاپ چهارم.
۱۳. شبلی نعمانی، محمد، (۱۳۳۶)، *شعر العجم*، ترجمه سید محمد تقی فخرایی گیلانی، تهران: ابن سینا.
۱۴. شمیسا، سیروس (۱۳۷۵)، *کلیات سبک شناسی*، تهران: فردوس، چاپ چهارم.
۱۵. صرفی، محمدرضا، (۱۳۸۸)، «ابن رومی و انوری در عرصه هجوسرای» *نشریه ادبیات تطبیقی*، شماره ۱، صص ۶۳-۸۶.
۱۶. صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۹)، *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد دوم، تهران: فردوس.
۱۷. جمال‌الدین اصفهانی، محمد بن عبدالرزاق، (۱۳۹۱)، *دیوان جمال‌الدین اصفهانی*، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: سنایی.
۱۸. فروزانفر، بدیع الزمان، (۱۳۵۸)، *سخن و سخنوران*، تهران: خوارزمی، چاپ سوم.
۱۹. فرزانه، سید بابک؛ حسینی، محمد شریف، (۱۳۸۹)، «هجو شهرها در دوره سامانی و غزنوی»، *نشریه ادبیات فارسی*، شماره ۲۵، صص ۱۵۵-۱۷۱.

۲۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (بی تا)، قاموس المحيط، بی جا.
۲۱. کاسب، عزیزالله (۱۳۶۶)، چشم انداز تاریخی هجو، تهران: ناشر مولف.
۲۲. محمد حسین، محمد، (۱۹۷۰)، الهجاء و الهجاءون فی الجاهلیه، بیروت: دارالنهضة العربیه.
۲۳. میرصادقی، میمنت، (۱۳۷۳)، واژه‌نامه هنر شاعری، تهران: مهناز.
۲۴. نیکویخت، ناصر، (۱۳۸۰)، هجو در شعر فارسی، تهران: دانشگاه تهران.

## References

- The Holy Quran
- Anvari, M., (1985), Divan, edited by Mohammad Taghi Modarres Razavi, 2 volumes, Tehran: Scientific and Cultural, second edition.
- Dad, S. (2008), Dictionary of Literary Terms, Tehran: Morvarid, third edition.
- Farzaneh, B.; Hosseini, M., (2010), "Satire of cities in the Samanid and Ghaznavid periods", Journal of Persian Literature, No. 25, pp. 155-171.
- Firoozabadi, M., (?), Dictionary of the Environment.
- Forouzanfar, B., (1979), Sokhan va Sokhanooran, Tehran: Kharazmi, third edition.
- Ibn Mokarram, J., (?), Arabic language, Beirut: Dar al-Sadr.
- Mohammad Ibn Abdul Razzaq, (2012), Divan of Jamaluddin Isfahani, edited by H. Vahid Dastgerdi, Tehran: Sanaei.
- Joveyni, A., (2003), The History of Jahangisha Jovini, edited by M. Qazvini, Tehran: Book World, third edition.
- Kaseb, A. (1987), Historical Perspective of Satire, Tehran: Author Publisher.
- Mirsadeghi, M., (1984), Dictionary of Poetic Art, Tehran: Mahnaz.
- Mohammad Hussein, M., (1970), Al-Hijjah and Al-Hijjah in Al-Jahiliyyah, Beirut: Dar Al-Nahda Al-Arabiya.
- Nasavi, M., (1964), Nafta Al-Masdoor, edited by A. Yazgardi, Tehran.
- Nikobakht, N., (2001), Satire in Persian Poetry, Tehran: University of Tehran.
- Parsa, A., (1986), "Stylistics of Khaghani's satires" Journal of Social Sciences and Humanities, Shiraz University, Volume 25, Number 48, p. 57-68.
- Safa, Z., (1990), History of Literature in Iran, Volume 2, Tehran: Ferdows.
- Sanaei, M., (2008), Hadiqah al-Haqiqah and Sharia al-Tariqah, edited by Modarres Razavi (2nd edition) Tehran: Tehran University Publishing Institute.
- Sanaei, M., (2009), Divan, by B. Forouzanfar, Tehran: Negah, third edition.
- Sarfi, M., (2009), "Ibn Rumi and Anvari in the field of satire", Journal of Comparative Literature, No. 1, pp. 63-86.
- Shafiee Kadkani, M. (2013), The Language of Poetry in Sufi Prose, Tehran: Sokhan.
- Shafiee Kadkani, M. (1993), Bankrupt Kimia Forosh, Tehran: Sokhan, second edition.
- Shafiee Kadkani, M. (2004), Whips of conduct, Tehran: Agah, fourth edition.
- Shamisa, Sirus (1996), Generalities of Stylistics, Tehran: Ferdows, fourth edition.
- Shebli Nomani, M., (1957), Ajam Poetry, translated by M. Fakhraei Gilani, Tehran: Ibn Sina.

### نحوه ارجاع به مقاله:

انصاری، حشمت‌اله؛ جعفری، مریم؛ ذاکری، غلامعباس (۱۴۰۰). مقایسه سبکی هجویات سنایی، انوری و جمال‌الدین عبدالرزاق. مطالعات زبان و ادبیات غنایی.

Dor: 20.1001.1.27170896.1400.11.38.11.3 ۷۲-۸۹ (۳۸) ۱۱

### Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

